میراث حسن طهرانی‌مقدم چطور معادلات منطقه را دگرگون کرده است

مردی که اسطوره‌های صهیونیسم را کشت

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

بعضی از نام‌ها آنقدر تکرار می‌شوند که گویی برای همیشه در ذهن حک می‌شوند. خیلی‌ها می‌دانند بیسمارک، صدراعظم قدرتمند پروس، آلمان را تاسیس کرد. حتی کسانی که نمی‌دانند او چه کرده، دست‌کم نامش را در نوشته‌ای خوانده یا درخلال صحبتی و بیان مثالی شنیده‌اند. جورج واشنگتن، نخستین رئیس جمهور آمریکا، ناپلئون بناپارت، قهرمان ملی فرانسه یا عبدالقدیرخان، پدر هسته‌ای پاکستان مثال‌های بعدی از این دسته بی‌شمارند.

سردار حسن طهرانی‌مقدم، یکی از نمونه‌های ایرانی این دسته و یک قهرمان ملی و به عبارت بهتر «فراملی» است. او با نام شخصیت‌های فراموش‌نشدنی تاریخ، در قهرمانی و شهرت مشترک است اما یک تفاوت اساسی با آنها دارد؛ نام این قهرمانان غربی، با عمل‌شان در حین زندگی همراه بوده است اما طهرانی‌مقدم در زمان حیاتش، به جای خودش و نامش، تنها دستاوردهایش بودند که به معرض عمومی درمی‌آمدند. دهه ۱۳۸۰ دوران اوج‌گیری پرتاب‌های موشکی ایران بود. کمتر ماهی بود که بتوان تلویزیون ملی ایران را روشن کرد و موشک‌ها را در آن خاموش دید. هربار موشکی جدید آزمایش می‌شد؛ شهاب-۳، فاتح ۱۱۰، قدر-۱، سجیل، کروز ضدکشتی نور، کروز ضدکشتی کوثر، کاوشگر-۱، ماهواره‌بر امید، ماهواره‌بر سفیر-۲.

در تمام این دوره، طهرانی‌مقدم در گوشه‌ای از این صحنه‌های پرتاب حضور داشت اما هیچ دوربینی این مرد قدرتمند و مرموز را نمی‌دید. او با ظاهری آرام و درونی نگران، آزمایش‌ها را به دقت نظاره می‌کرد. آزمایش‌هایی که شکست‌هایی پی‌درپی داشت اما او و همکارانش را ناامید نمی‌کرد و درنهایت هم به نتیجه می‌رسید. طهرانی‌مقدم بیشتر پیروز میدان‌ها بود تا بازنده. باخت‌هایش هم عمر کمی داشتند؛ عمری تا پیروزی سریع بعدی. او برای نخستین بار در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ شناخته شد. یک انفجار مهیب در پادگان شهید مدرس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در روستای بیدگنه شهریار، نام او و کار او را بر سر زبان‌ها انداخت. شدت انفجار به اندازه‌ای بود که مناطقی از استان‌های البرز، مرکزی و تهران لرزید. مشخص بود این لرزش برای یک انفجار معمولی نیست. ابعاد انفجار به اندازه‌ای بود که صدای واقعی آن در واشنگتن، پاریس و لندن نیز شنیده شد؛ انفجاری که منطقه‌ای به این بزرگی را بلرزاند، باید ناشی از چند ۱۰ تن سوخت موشک باشد. هیچ‌کدام از موشک‌های رونمایی‌شده ایران، این میزان سوخت را حمل نمی‌کردند. پس پای موشک بزرگ‌تری در میان بود. بعدها برادر سردار حسن طهرانی‌مقدم در گفت‌وگویی گفت که حسن، مشغول کار روی یک موشک قاره‌پیما بود: «این پروژه که در مرحله آزمایش نهایی قرار داشت، مربوط به یک موشک بالستیک قاره‌پیما بود... این یک فرآیند کاملا محرمانه و با تکنولوژی بالا بود.» بعدها مشخص شد انفجار موتور یک ماهواره‌بر سنگین باعث شهادت طهرانی‌مقدم و دست‌کم ۲۶ همکارش شده است. موشکی که می‌تواند با سوخت جامد خود ماهواره‌ها را به مدارهای بالای هزار کیلومتر تزریق کند. تبدیل فناوری این ماهواره‌بر به یک موشک بالستیک هسته‌ای، آمریکا را نیز در دسترس قرار می‌داد.

ماهی نه؛ ماهی‌گیری

لیبی و سوریه در جنگ تحمیلی تعداد کمی موشک بالستیک اسکاد به ایران دادند. این همکاری برای ایران تحریم‌شده، یک «موهبت» بود. اما مشکلات خاص خود را داشت. سال ۱۳۶۵، کارشناسان موشکی لیبی قطعات حساس موشک‌ها را باز کردند و به سفارت کشورشان در تهران رفتند. معمر قذافی، رهبر لیبی قصد داشت ایران را برای پذیرش خواسته‌های سیاسی تحت فشار قرار دهد. این خبر به مذاق طهرانی‌مقدم خوش نیامد. او و تیمش دوماه شبانه‌روز کار کردند تا خودشان موفق شدند موشک‌ها را به‌صورت مستقل پرتاب کنند. با این اقدام کارشکنی‌ها توسعه پیدا کرد. دو کشور با فشار شوروی دیگر موشکی به ایران ندادند. نیروهای موشکی ایران این‌بار دریافتند باید خودشان «موشک» بسازند. سال ۱۳۶۶ راکت «نازعات» ساخته شد. با بردی بین ۸۰ تا ۱۵۰ کیلومتر. برد آن نصف اسکاد بود اما شروع خوبی به حساب می‌آمد. درس جنگ و کارشکنی از سوی دولت‌های دوست، درسی بزرگ برای پدر موشکی ایران داشت؛ به جای خرید ماهی باید «ماهی‌گیری را یاد گرفت». این درس بعدها به کمک گروه‌های مقاومت آمد. سردار حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، این راهبرد را به «آموزش ماهی‌گیری به انسان» تشبیه کرد. اگر ایران خود را به خرید موشک یا مراحل ابتدایی آن محدود می‌کرد، باید موشک‌های ۱۰ تنی را روی کشتی‌های باری حمل می‌کرد و به دستان گروه‌های لبنانی، یمنی و فلسطینی می‌رساند؛ اقدامی که یا نشدنی بود یا شدنش در موارد اندک، دردی دوا نمی‌کرد. دوای این درد انتقال «تجربه ساخت» بود.

این انتقال وزنش به اندازه چند برگ کاغذ بود. گفته می‌شود در هفته‌های آخر جنگ ۲۲ روزه سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸، دستخطی از شهید حاج حسن طهرانی‌مقدم به دست رزمندگان فلسطینی رسید. به پیوست این نامه، روش ساخت راکت‌ها و موشک‌های جدید الصاق شده بود. پدر موشکی ایران دریافته بود غزه به راکت‌های بهتری نیاز دارد. قوی‌تر و دوربردتر از قبلی‌ها. طهرانی‌مقدم در چند سطر روش «صید ماهی‌های بزرگ‌تر» را به فلسطینی‌ها یاد داد. این صید به لوازم خاصی نیاز نداشت. طهرانی‌مقدم با آنچه در غزه پیدا می‌شد، نقشه ساخت موشک را کشیده بود. در جنگ سال ۲۰۱۴ با صهیونیست‌ها این سادگی خود را نشان داد. حماس ۶۰ موشک با برد ۱۰ کیلومتر (۶ مایل) پرتاب کرد که انرژی آن از شکر تامین می‌شد. چیزی که در محاصره‌ترین نقاط و حتی زندان‌ها هم پیدا می‌شود.

جانشینان او این روش را توسعه دادند. یمن در سال ۲۰۱۵ بدون موشک با حمله عربستان مواجه شد. هنگامی که در سال ۲۰۲۳ آتش‌بس با این کشور منعقد شد، وضعیت شباهتی با قبل نداشت. نه‌تنها عربستان هر روز شاهد اصابت انواع جدیدی از موشک کروز و پهپاد بود، بلکه آتش جنگ به پایگاه‌های آمریکا در امارات رسید. در ۹ سال جنگ، یمن بی‌وقفه تحریم و محاصره بود. برای مردم ایران تحریم معنا دارد چون چشیده‌اند اما محاصره را تجربه نکرده‌اند. یمن با وجود هر دو به یک قدرت موشکی تبدیل شد. با آغاز جنگ غزه، یمنی‌ها بارها با موشک بالستیک، کروز و پهپاد انتحاری رژیم صهیونیستی را هدف قرار داده‌اند. در مقابل اما تل‌آویو و واشنگتن نه به‌صورت عملی، بلکه لفظی نیز از گزیدن زبانی یمنی‌ها خودداری کرده‌اند. برد موشک‌های یمن به فلسطین اشغالی می‌رسد، اما جنگنده‌های صهیونیست عاجز از عملیات در شعاع ۲ هزار کیلومتری پایگاه‌هایشان هستند. «انتقال تجربه» طهرانی‌مقدم و جانشینانش، اف-۱۶ سوفا و جنگنده رادارگریز اف-۳۵ را مات کرده‌اند.

امنیتی که توان موشکی به محور مقاومت داده، بازدارندگی با وجود فعالیت در جبهه است. موضوعی که نه‌تنها برای یمن در ۲ هزار کیلومتری فلسطین، بلکه برای لبنان هم درحال تکرار است. سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان ۱۲ آبان در نخستین سخنرانی خود از زمان شروع درگیری‌ها به ورود خود به جنگ با وجود امنیت در لبنان اشاره کرده و گفت: «مقاومت اسلامی لبنان از ۸ اکتبر [دومین روز جنگ] وارد نبرد واقعی شده که فقط اشخاصی که در مرزها هستند، می‌توانند آن را احساس کنند. آنچه در جبهه ما در لبنان اتفاق می‌افتد در تاریخ این رژیم بی‌سابقه است.» نصرالله در جای دیگری و در دیدار با خانواده شهدا این اتفاق را ناشی از اقدامات پدر موشکی ایران عنوان کرده و گفته بود: «هرکس به‌راحتی به شمال یا جنوب لبنان سفر کند و برگردد، این امنیت را مدیون حاج حسن آقای طهرانی‌مقدم است.»

مرد عملیات ۷ اکتبر

«روی سنگ قبرم بنویسید اینجا مدفن کسی است که می‌خواست اسرائیل را نابود کند.» این جمله را حسن طهرانی‌مقدم در بخشی از وصیت‌نامه‌اش نوشته بود؛ جمله‌ای که مثل بسیاری از نقاط عطف زندگی‌اش، مرموز و غیرقابل پیش‌بینی بود. شاید از همین رو بعد از شهادتش، رسانه‌های صهیونیستی از مرگ کسی می‌نوشتند که آرزو داشته اسرائیل را نابود کند. حسن طهرانی‌مقدم در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ به شهادت رسید اما میراث او چه در زمان حیات و چه پس از شهادتش، دست مقاومت را در برابر رژیم صهیونیستی پر کرد. طهرانی‌مقدم چهار هزار و ۳۴۸ روز بعد از شهادتش هم دست از سر صهیونیست‌ها برنداشته است. راکت‌های فجر-۵ که او برای مقابله با رژیم صهیونیستی و هدف قرار دادن سرزمین‌های اشغالی طراحی کرده بود، نقش تعیین‌کننده‌ای در جنگ اخیر فلسطین با رژیم صهیونیستی ایفا می‌کند. تا امروز دوشنبه ۳۸ روز از جنگ گذشته است ولی همچنان مقاومت فلسطین با تکیه بر انبار تسلیحاتی خود، سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار می‌دهد. این طهرانی‌مقدم بود که به لبنان سفر کرد و پس از بازگشت، یگان موشکی حزب‌الله را ایجاد کرد. او در طراحی و ساخت موشک‌ها، توجه ویژه‌ای به گروه‌های مقاومت و حزب‌الله لبنان داشت تا نسل Z فلسطینی، به جای سنگ، به‌وسیله موشک با دشمن صهیونیستی سخن بگوید. موشک‌های فجر-۵ که در جریان نبردهای رزمندگان مقاومت با ارتش صهیونیستی، بارها و بارها با گذشتن از گنبد آهنین و سد دفاعی رژیم صهیونیستی، نقاط مختلف سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داده و توانست نقش مهمی را در پیروزی جریان مقاومت در برابر اشغالگران ایفا کند، از مسیرهای گوناگون به صورت رسمی به دست فلسطینی‌ها رسید. چند سال قبل ادعا شد که اجزای راکت فجر ۳ و فجر ۵ ساخت ایران با برد ۲۷ مایل و ۴۷ مایل از طریق کشتی و به شیوه‌ای خاص به دست مقاومت فلسطین رسیده است. این ادعا البته از سوی سردار محمدعلی جعفری، فرمانده وقت سپاه پاسداران رد شد و او گفت که به دلیل «محاصره غزه» ایران «هیچ سلاحی به غزه ارسال نکرده است.» جعفری اضافه کرد که «مفتخریم که اعلام کنیم فناوری ساخت موشک‌های فجر-۵ را به آنها داده‌ایم و اکنون تعداد زیادی از آنها را در اختیار دارند.»

ژوئن سال ۲۰۲۱ انستیتو واشنگتن در مقاله‌ای به قلم «عیدو لوی» نوشت که در سال ۲۰۱۴، احمد حسینی، فرمانده موشکی سپاه، فاش کرد که سال‌ها قبل عوامل حماس «از سوی حزب‌الله تجهیز شده و تعلیم دیده بودند... برخی از آنها حتی برای تعلیم دیدن به ایران آمدند.» او مشخصا گفت که سردار حسن تهرانی‌مقدم، معمار برنامه موشکی ایران، کسی بود که «آنها را تجهیز و هدایت می‌کرد.»

این انستیتو ادعا کرد که در ابتدا سپاه و حزب‌الله به مهندسان حماس آموزش می‌دادند که چطور از مواد عادی، مثل شکر و لوله، راکت درست کنند و حماس را قادر ساختند که راکت کوتاه‌برد خود یعنی «قسام» را در غزه تولید کند. در پی خروج اسرائیل از غزه در ۲۰۰۵ و در دست گرفتن کنترل آن از سوی حماس، این گروه شروع به جمع‌آوری مهمات منفجرنشده اسرائیل برای تولید راکت کرد. همچنین راکت‌های پیشرفته‌تری را از ایران و سوریه دریافت کرد. تعدادی از تسلیحات ایرانی در درگیری غزه در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸ ظاهر شد؛ در زمان درگیری سال ۲۰۱۲، حماس راکت‌های دوربرد ایرانی فجر-۵ را به تل‌آویو و اورشلیم پرتاب می‌کرد. همچنین، پس از خروج اسرائیل از قلمروهای مربوط به حماس و حزب‌الله، تاثیر ایران را می‌توان در شباهت تکامل طرز کار این دو گروه دید.»

حسین شیخ‌الاسلام، مشاور وزیر امور خارجه ایران، در فروردین ۱۳۹۷ در گفت‌وگویی اعلام کرد که در جنگ ۲۰۱۲ مقاومت با «موشک ساخت ایران» از غزه «کاخ نتانیاهو را نشانه گرفت.» به همین دلیل جنگ بیش از هشت روز ادامه نیافت. او گفته بود که «مقاومت راهبرد خود را بر موشک‌ها» قرار داده و گنبد آهنین و هر نظریه ضدموشک راهگشا نبوده است. پرتاب موشک، ارزان است اما ضدموشک بسیار هزینه‌بر و گران است. از نظر اقتصادی هم ضدموشک شکست خورده است.

رژیم صهیونیستی طعم تلخ حملات موشکی را در جنگ ۲۰۰۶ لبنان، جنگ ۲۲ روزه [یعنی جنگ غزه ۲۰۰۸]، جنگ هشت‌روزه [نوامبر ۲۰۱۲] و جنگ ۵۱ روزه [ژوئیه و اوت ۲۰۱۴] و جنگ ۷ اکتبر ۲۰۲۳ چشید. بنیانگذار اصلی این حرکت حسن طهرانی‌مقدم بود که صنایع مربوطه را کمک و حمایت کرد تا هم حزب‌الله و هم فلسطینی‌ها در مدت کوتاهی توانایی لازم برای ساخت و راه‌اندازی این تسلیحات را داشته باشند.

طهرانی‌مقدم برای ایران چه کرده؟

شمشیر و نیزه تا مدت‌ها تنها ابزارهای جنگ بودند. استخراج آهن و آهنگری سخت بود و با فقر مواد و دانش ساخت، سلاح‌های ساخته‌شده هم کیفیتی نداشتند. علاوه‌بر این، با زدن چندین باره شمشیر به دشمن، او به احتمال زیاد زخمی می‌شد و نمی‌مرد. امروز با پیشرفت فناوری، سلاح‌های کوچک هم می‌توانند در مدت کوتاهی چند نفر را بکشند. دوره این سلاح‌های جدید هم اما مدتی است طی شده است. قبل از آنکه سرباز تفنگ به دست دشمن را ببیند، دشمن با سلاحی دوربرد و با قدرت «کشتار بالا» او را می‌کشد. جنگجویان امروز تفاوت زیادی با پهلوانان دیروز دارند. برای همین بسیاری از نظامیانی که ده‌ها و صدها نظامی دشمن را می‌کشند، «قهرمان» به حساب نمی‌آیند؛ چون کاری نکرده‌اند. اصل پیروزی برای کسی است که سلاح را تولید کرده است. طهرانی‌مقدم برای ایران، ضامن موفقیت در جنگ‌های جدید است. او قهرمان اصلی و پهلوان میدان است. سلاح‌هایی که او ساخته این منافع را برای ایران دارند:

مزایای قدرت موشکی ایران

۱ ایران با توان موشکی، قدرت راهبردی یافته است. به این معنا که در زمان صلح و بدون درگیری، این توان می‌تواند به توسعه تامین منافع ایران کمک کند. نیروهای نظامی معمولا یکی از دو رویکرد عمده تاکتیکی و راهبردی را در پیش می‌گیرند. نیروی نظامی تاکتیکی، نیرویی است که در زمان درگیری نظامی و تخاصم، با اجرای عملیات و تاکتیک‌های مختلف نظامی و در منطقه نبرد، سعی در غلبه بر دشمن و دستیابی به اهداف نظامی دارد اما نیروی نظامی راهبردی، نیرویی است که حتی در زمان صلح و بدون درگیری نظامی با کشور تهدیدکننده منافع ملی، سعی در اشاعه و گسترش تسلط خود بر وی و رفع هرگونه تهدیدی در این خصوص دارد.[1]

۲ ویژگی سلاح‌های دوربرد و با قدرت تخریب بالا مانند موشک، ایجاد «بازدارندگی» است. کشورهایی که قصد تهاجم به ایران را دارند، می‌دانند مواضع و تاسیسات حساس‌شان در فاصله دور، در معرض آسیب جدی قرار دارد. پس دست به محاسبه می‌زنند. آسیب جدی به دشمن او را از حمله منصرف می‌کند.

۳ برنامه موشکی ایران یک موازنه‌گر در برابر مزیت‌های کمی و کیفی و برتری نظامی کشورهای دیگر در منطقه است.[2] کشورهای منطقه با ثروت کلان و حمایت آمریکا، بهترین تسلیحات را در حجم عظیم خریداری می‌کنند. مقابله با این خریدها برای ایران با درآمدکمتر و تحریم تسلیحاتی، کار آسانی نیست. موشک‌های بالستیک جبران‌کننده این ضعفند.

۴ ایران در میان ۱۰ کشور طراحی و تولیدکننده موشک در کنار روسیه، آمریکا، چین، انگلیس، فرانسه، هند، کره شمالی، ژاپن و کره جنوبی قرار گرفته است که جایگاه بزرگی به حساب می‌آید.

۵ سلاحی مثل موشک، ژئوپلیتیک را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ایران جدای از موقعیت جغرافیایی خود، می‌تواند با موشک به اهدافی در دوردست حمله کند. اگر ژئوپلیتیک ایران را بر تنگه هرمز و خلیج‌فارس مسلط کرده است، این پدیده در مورد دریای عمان و اقیانوس هند بسیار ضعیف است. این ضعف اما به کمک توان موشکی، به‌مرور کمرنگ‌تر شده است. قابلیت حمله موشکی به کشتی‌های دشمن در این منطقه و اصابت چند موشک به کشتی رژیم در این منطقه نشان می‌دهد با موشک، فاصله‌ها برداشته شده و ژئوپلیتیک تحت تاثیر قرار گرفته است.

۶ مسلح شدن ایران به قوای موشکی، نحوه استفاده از نیروی نظامی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. ایران با موشک‌های خود نیاز کمتری به جنگیدن سربازانش دارد. همچنین موشک‌ها با رسیدن به خاک دشمن، نیاز به انتقال نیرو به نزدیکی خاک دشمن را رفع می‌کنند.

۷ جنگیدن با توپ، تنفگ و تانک زمان‌بر است اما حملات موشکی بسیار سریع و ویرانگرند. موشک‌های جدید ایران کمتر از ۱۰ دقیقه آماده شده و در کمتر از ۱۵ دقیقه به اهدافی در فلسطین اشغالی می‌رسند. این حملات حتی از حمله هوایی نیز سریع‌ترند.

۸ توان موشکی ایران می‌تواند مزیت‌های نظامی دشمن را هدف قرار دهد. ناوهای هواپیمابر و فرودگاه‌ها هدف قرار می‌گیرند و جنگنده‌ها نیز درصورت رسیدن به ایران کار دشواری برای عبور از پدافند هوایی دارند.

۹ در صورت حمله دشمن با سربازان و تانک‌هایش، دفاع امکان‌پذیر است هرچند سخت باشد. در برابر حملات جنگنده‌ها نیز سامانه‌های پدافند هوایی زیادی وجود دارند هرچند گران‌قیمت، حساس و در تعداد کم مستقر می‌شوند. وضعیت در برابر حملات موشکی، به‌مراتب سخت‌تر از حملات هوایی است. به همین دلیل کمتر کشوری می‌تواند در برابر حمله موشکی از خود دفاع کند.

۱۰ درآمد صادرات سلاح ایران در سال‌های اخیر تقریبا سالانه چهار میلیارد دلار بوده است. ایران تجهیزات معمول نظامی مانند تانک، نفربر، زیردریایی، ناوچه، ناوشکن، جنگنده، بالگرد تهاجمی و بالگرد ترابری را یا تولید نمی‌کند یا صادر. به‌طور آشکاری صادرات ایران بر فناوری‌های مبتنی‌بر «فناوری موشکی» مانند راکت‌های توپخانه‌ای، موشک‌های بالستیک تاکتیکی، موشک‌های ضدزره، موشک‌های ضدکشتی و پهپادهای انتحاری متمرکز است.

نظارت طهرانی‌مقدم بر آموزش موشکی حماس

«جیسون‌ام بورسکی»، مدیر سیاستگذاری در سازمان «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» (UANI) در جلسه استماع کمیته خدمات مالی مجلس ایالات متحده در کمیسیون فرعی امنیت ملی که ۲۵ اکتبر ۲۰۲۳ برگزار شد، درباره نقش ایران در جنگ اخیر فلسطین و رژیم صهیونیستی سخن گفت. او و سازمانش که همچون بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، به هر بهانه‌ای، تجویزی جز تحریم همه‌جانبه ایران نداشته و ندارند، تلاش کرده تا بی‌توجه به جنایات رژیم صهیونیستی، اتهامات بی‌اساس و دروغینی به مقاومت اسلامی در فلسطین بزنند. بورسکی در بخشی از ارائه خود، به نقش حسن طهرانی‌مقدم در قدرتمند شدن حماس اشاره کرده است. به گفته او «همان‌طور که اینجا نشسته‌ایم، متحد ما اسرائیل از رنج مرگبارترین حمله علیه جامعه یهودی از زمان هولوکاست به خود می‌پیچد.»

این عضو سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای با اشاره به تعمیق روابط بین حماس و تهران و حزب‌الله لبنان در طول دهه‌ها، ادعا کرد: «آنها درگیر همکاری اطلاعاتی، اشاعه تسلیحات، تامین مالی و آموزش بوده‌اند. همان‌طور که کمیسیون متحد علیه ایران هسته‌ای (UANI) مستند کرده است، روابط ایران و حماس در سال ۱۹۹۲ پس از اخراج حماس و جهاد اسلامی فلسطین از سوی اسرائیل به لبنان تحکیم شد. زمانی که آنها در آنجا بودند، مهارت‌های خود را در «دانشگاه حزب‌الله» توسعه دادند، که یک اردوگاه آموزشی برای آنها در مرج الزهور را ایجاد کرده بود. این شامل دستورالعمل ساخت خودروهای بمب‌گذاری شده و بمب‌گذاری‌های انتحاری بود. بمب‌ساز ارشد حماس، یحیی عیاش (معروف به «مهندس»)، مهارت‌های خود را در آنجا تقویت کرد.» بورسکی ادامه داد: «برخی از عوامل حماس حتی برای آموزش به ایران سفر کردند. به گفته یکی از فرماندهان سپاه، پدر برنامه موشکی ایران مرحوم حسن طهرانی‌مقدم، شخصا بر این دستورالعمل نظارت داشته است. گزارشاتی وجود دارد که عماد مغنیه، فرمانده نظامی فقید حزب‌الله، حتی پس از خلع سلاح اسرائیل در سال ۲۰۰۵ از غزه دیدن کرد و در سال ۲۰۰۶ برای آموزش موشک‌ها به مبارزان فلسطینی، به غزه بازگشت. سال‌ها بعد، در سال ۲۰۲۱، امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مباهات گفت که «تمام موشک‌هایی که ممکن است در غزه و لبنان ببینید با حمایت ایران ساخته شده‌اند.» او ادعا کرده که «حماس و ایران همچنین یک دستگاه هماهنگی ساختاری عمیق ایجاد کرده‌اند. نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افسران خود را در لبنان مستقر کرده است که به‌طور معمول با حماس و دیگر گروه‌های فلسطینی در ارتباط هستند. رئیس میز فلسطین نیروی قدس سپاه در لبنان، محمد سعید ایزدی، ریاست این مجموعه را برعهده دارد. او به‌طور معمول با معاون رئیس دفتر سیاسی حماس، صالح العاروری و دیگر رهبران حماس در بیروت تعامل داشته است.»

پی نوشت

۱. رضایی، مردم و دوستی مقدم، حسین (۱۳۹۸). «سامانه‌های دفاع موشکی بومی سپاه ایران و تأثیر آن بر امنیت» مجله جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۵۷۹

۲. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عزیزی بساطی، مجتبی (۱۳۹۷). «توانمندی موشکی در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (۲۰۱۸-۲۰۰۱)»، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۳، ص ۸۹